



در یک پژوهش علمی، محققان به سراغ صنعت پرورش ماهیان زینتی بومی رفته‌اند و تلاش کرده‌اند اهمیت این بخش کمتر شناخته‌شده از آبزی‌پروری، چالش‌های پیش‌رو و دلایل نیاز به توسعه آن را تشریح کنند. به گزارش اقتصادسراسرآمد، پرورش ماهیان زینتی در ایران در دهه‌های اخیر به عنوان شاخه‌ای نوپا ام رو به رشد از آبزی‌پروری مطرح شده است. این فعالیت از دهه ۱۳۸۰ و بسا ورود گونه‌هایی مانند گوسپی و ماهی قرمز پرخورداری از اکوسیستم‌های آبی متنوع، از رودخانه‌ها و تولیدی باز کرد. اگرچه تمرکز اصلی آبزی‌پروری کشور همواره بر تولید ماهیان خوراکی بوده، اما افزایش علاقه عمومی به نگهداری ماهیان زینتی و گسترش بازارهای مرتبط، توجه‌ها را به این بخش جلب کرده است. ایران با آغاز شش‌ده ساله‌ای از اکوسیستم‌های آبی متنوع، از رودخانه‌ها و تالاب‌ها گرفته تا منابع آب شیرین و شور، شرایط مناسبی برای پرورش انواع ماهیان زینتی دارد. وجود بیش از ۲۰۰ گونه ماهی بومی، این کشور را به یکی از مناطق دارای ظرفیت بالقوه بالا در این صنعت تبدیل کرده است. بنابر گزارش ایستنا، اهمیت پرداختن به پرورش ماهیان زینتی بومی تنها به جنبه اقتصادی محدود نمی‌شود. این گونه‌ها به دلیل سازگاری طبیعی با شرایط اقلیمی و محیطی کشور، مقاومت بیشتری در برابر بیماری‌ها و نوسانات محیطی دارند و می‌توانند به‌س حفظ تعادل اکولوژیک کمک کنند. در حالی که تجارت جهانی ماهیان زینتی گردش مالی سالانه‌ای بیش از ۱۵ میلیارد دلار دارد، سهم ایران با وجود تنوع زیستی غنی همچنان محدود باقی مانده است. وابستگی بازار جهانی به گونه‌های غیربومی و وارداتی، مشکلات زیست‌محیطی متعددی از جمله برهم خوردن زنجیره‌های غذایی محلی را ایجاد کرده است. در چنین شرایطی، توجه به گونه‌های بومی می‌تواند هم به کاهش مخاطرات زیست‌محیطی کمک کند و هم زمینه‌ساز توسعه پایدار و اشتغال‌زایی در مناطق مختلف کشور باشد.

در همین راستا، رضا نهاوندی از مؤسسه تحقیقات علوم دامی کشور وابسته به سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، به همراه دو همکار خود، پژوهشی را درباره وضعیت پرورش ماهیان زینتی بومی انجام داده‌اند. این تحقیق با نگاهی کلی به چالش‌ها و فرصت‌های موجود، تلاش کرده است پتانسیل‌های پرورش گونه‌های بومی و نقش آن‌ها در آینده صنعت آبزی‌پروری را به زبان علمی اما قابل استفاده برای برنامه‌ریزان و فعالان این حوزه تبیین کند. پژوهشگران با اتکا به داده‌ها و مطالعات پیشین، تصویری جامع از شرایط فعلی و مسیرهای پیش‌رو ارائه داده‌اند.

روش انجام این پژوهش به صورت مروری بوده است. در این روش، محققان با بررسی و تحلیل مطالعات، گزارش‌ها و اماره‌های موجود، اطلاعات پراکنده درباره پرورش ماهیان زینتی بومی را گردآوری کرده‌اند. مقاله مروری به جای انجام آزمایش یا نمونه‌برداری مستقیم، بر جمع‌بندی دانش موجود تمرکز دارد و به شناسایی روندها، نقاط قوت، ضعف‌ها و خلأهای علمی کمک می‌کند. به این ترتیب، پژوهشگران توانسته‌اند تصویری کلی اما منسجم از وضعیت این صنعت در ایران ارائه دهند.

پایه‌های این پژوهش نشان می‌دهند که پرورش ماهیان زینتی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته و ایران از نظر تنوع گونه‌های بومی، ظرفیت بالایی برای توسعه این بخشش دارد. گونه‌هایی مانند ماهی قرمز، گویی و گورامی به دلیل زیبایی ظاهری و سازگاری با شرایط محلی، گزینه‌های مناسبی برای پرورش هستند. با این حال، تمرکز سنتی بر گونه‌های خوراکی و وارداتی باعث شده سهم ایران از بازار جهانی محدود بماند. کمبود دانش فنی، برداشت بی‌رویه از طبیعت و ضعف در زنجیره تأمین از چالش‌های اصلی شناسایی شده در این مطالعه است. بر اساس جمع‌بندی نتایج و مطالب مطرح‌شده، پژوهشگران تأکید دارند که سرمایه‌گذاری هدفمند در پرورش گونه‌های بومی می‌تواند به حفظ تنوع زیستی و ذخایر ژنتیکی کمک کند. توسعه تحقیقات علمی، آموزش پرورش دهندگان و ایجاد زنجیره تأمین پایدار از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند جایگاه ایران را در بازار جهانی ماهیان زینتی ارتقا دهند و همزمان از تهدید انقراض برخی گونه‌های ارزشمند جلوگیری کنند.

همچنین در این تحقیق اشاره شده است که پرورش ماهیان زینتی بومی می‌تواند نقش مهمی در اشتغال‌زایی و توسعه منطقه‌ای ایفا کند. تولید سالانه این ماهیان به صدها میلیون قطعه رسیده و برای هزاران نفر شغل ایجاد کرده است. استفاده از روش‌های نوین مانند آکوابونیک و بیوفالک، که به معنای بهره‌گیری از سامانه‌های تلفیقی و مدیریت میکروارگانیسم‌ها برای بهبود کیفیت آب است، نشانه‌ای از حرکت صنعت به سمت پایداری بیشتر محسوب می‌شود.

گروه راهبردی – مرتضی فاخری – در میان استاد تاریخی سیاست‌گذاری پولی، روایت چین از مدیریت نرخ ارز همچون نقشه‌ای است که با خطوطی نه راست و نه منحنی، بلکه هوشمندانه و متناسب با مقاطع رشدی یک اقتصاد عقب‌مانده، ترسیم شده است. کشوری که امروز به عنوان دومین قدرت اقتصادی جهان قد علم کرده، در نیمه قرن بیستم با بافتی از کمبود سرمایه، فناوری وابسته و تجارت بیرونی محدود، به ارزیابی دقیق این پرسش پرداخت: آیا نرخ ارز باید بازتاب جریان بی‌قید بازار باشد یا ابزاری در خدمت یک راهبرد توسعه‌ی بلندمدت؟ پاسخی که چین به این پرسش داد، نه در کتب درسی اقتصاد متعارف، بلکه در آزمون‌وخطای شش دهه اصلاح تدریجی شکل گرفت. امروز و در شرایطی که ایران در منطقه‌ای ملتهب، درگیر تهدیدات نظامی و تحریم‌های فراقاره‌ای آمریکا شده، بازخوانی اینن تجربه تاریخی می‌تواند چراغی برای عبور از طوفان ارزی باشد، مشروط بر آنکه نسخه‌ها را کورکورانه تکرار نکنیم، بلکه منطق پشت هر تصمیم را دریابیم.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، مرتضی فاخری، پژوهشگر ارشد علوم راهبردی به ضرورت درس‌آموزی از سیاست ارزی چین در میدان جنگ اقتصادی بسا آمریکا تأکید دارد و در نوشتاری به «سراسرآمد» می‌گوید: از زمان تسلط حزب کمونیست بر پکن در سال ۱۹۴۹ و تا آستانه دهه ۱۹۹۰، سیاست ارزی چین تابعی آشکار از راهبرد صنعتی حاکم بود. در دورانی که مائو تسه‌تونگ تمرکز را بر «جایگزینی واردات» نهاده بود، هر دلار آمریکایی که از طریق صادرات مواد خام یا کمک‌های خارجی به دست می‌آمد، مانند گنجی کمیاب تلقی می‌شد. نظام «رفع تعهد کامل ارزی» (surrendering all foreign exchange) کلیه درآمدهای ارزی حاصل از صادرات را به اجبار به بانک مرکزی چین می‌سپرد و آن بانک نیز تنها مرجع تخصیص ارز برای خرید کالاهای سرمایه‌ای، ماشین‌آلات و فناوری بود. نرخ رسمی ارز در آن سال‌ها به گونه‌ای دستکاری می‌شد که ارزش پیسان در برابر دلار به شکل مرمی بیش از حد واقعی‌اش برآورد گردد. چرا؟ زیرا ارزان جلوه دادن واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، از دید سیاست‌گذاران آن دوره، موتور محرک صنعتی شدن سریع محسوب می‌شد. سوداگران ارز وجود نداشتند، صرافی‌ها تعطیل بودند و بازار آزاد مفهومی نداشت. اما این نظام که در ظاهر انضباطی مثال‌زدنی داشت، کم‌کم به مانهی برای رشد مبدل شد: نرخ بیش‌ارزش‌گذاری شده، صادرات کالاهای غیرنفתי چین را در بازارهای جهانی به شدت زیان‌ده می‌کرد و انگیزه تولید برای خارج را نابود می‌ساخت. چین در آن لحظه تاریخی با پارادوکسی روبه‌رو بود: برای تأمین ارز مورد نیاز واردات ماشین‌آلات، به صادرات بیشتر نیاز داشت، اما سیاست ارزی دقیقاً همان صادرات را قتل‌گاه می‌زد.

در آستانه فروپاشی بلوک شرق و با آغاز اصلاحات دنگ‌شیائوپینگ در اواخر دهه ۱۹۷۰، چینی‌ها جراحی ظریفی را روی سازوکار ارزی خود آغاز کردند. گام اول، نه یک شوک درمانی، بلکه ایجاد «دو نرخي بودن» دودولتی بود. از یک سو نرخ رسمی و بیش‌ارزش‌گذاری شده حفظ شد تا واردات کالاهای استراتژیک همچنان ارزان تمام شود، و از سوی دیگر «نرخ تسویه حساب داخلی» (internal settlement rate) برای صادرکنندگان وضع گردید که به مراتب واقعی‌تر و حتی اندکی تضعیف‌شده بود. این نرخ دوم به‌س صادرکنندگان اجازه می‌داد به‌س ازای هر دلار کسب‌شده، یوان بیشتری دریافت کنند و بدین ترتیب تنفس



صادراتی به اقتصاد چین بازگردانده شد. اما تجربه دو نرخي نیز بدون درد نبوده؛ شکاف میان نرخ رسمی و نرخ تسویه، سفته‌بازی سوداگران، رانت‌جویی و قاچاق ارز را دامن زد. چین در پاسخ، نه به آزادسازی ناگهانی، بلکه به ابداع نهادی نو دست زد: «مراکز سوآپ ارز» (swap centers). این مراکز که در شهرهای ساحلی مانند شنژن و شانگهای پا گرفتند، بازارهایی کنترل‌شده اما مشروع برای مبادله ارز میان بنگاه‌های مجاز فراهم آوردند. نرخ در این مراکز شناور مدیریت‌شده بود و به تدریج جای خود را به «نرخ تعدیل‌شده بر اساس بازار» داد. تا اواسط دهه ۱۹۹۰، چین موفق شد نظام دو نرخي را جمع کند و یک نرخ واحد و شناور مدیریت‌شده را برقرار سازد، آن هم نه با فرمان اداری محض، بلکه با انباشت تدریجی تجربه در نهادهای واسط. درس‌بنیادینی که از این سیر تحول می‌توان استخراج کرد، این نیست که چین الگویی جادویی یافته است، بلکه او یاد گرفت چگونه نرخ ارز را در خدمت «راهبرد صنعتی پویا» قرار دهد. در دوره جایگزینی واردات، ارز قوی بود تا ماشین‌آلات وارد شود؛ در دوره توسعه صادرات (از اواسط ۱۹۸۰ به بعد)، یوان تضعیف شد تا محصولات چینی در جهان ارزان جلوه کنند؛ و در دهه ۲۰۰۰ که چین به انباشت عظیم ذخایر ارزی پرداخت، دوباره به سمت تقویت تدریجی یوان حرکت کرد تا فشار تورمی واردات مواد خام را بکاهد. هر تغییر نرخ ارز، نه یک تصمیم فنی صرف، بلکه بخشی از یک بسته سیاستی هماهنگ با تعرفه‌ها، یارانه‌ها و مقررات سرمایه بود. مهم‌تر از همه، چین هرگز به اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول اجازه نداد نسخه‌ی آزادسازی حساب سرمایه یا شناوری کامل را بر او تحمیل کنند. او مسیر خود را پیمود: گذار تدریجی، حفظ کنترل بر جریان سرمایه در تمام این سال‌ها، و تمرکز بر «رقابت‌پذیری واقعی» نه «نرخ اسمی زیبا».

حال بیایسم از پکن به تهران سفر کنیم. ایران امروز در وضعیتی به مراتب حادث‌تر از هر نقطه عطف چین در قرن بیستم قرار دارد. چین در بدترین شرایط تحریم‌های خود (مقاطع جنگ سرد یا پس از حادثه میدان تیان‌آن‌من) هرگز با اعلان جنگ اقتصادی تمام‌عیار از جانب قدرتی چون آمریکا روبه‌رو نبود که نه فقط بانک‌ها و بنگاه‌های خود، بلکه کل نظام مالی بین‌المللی را علیه یک کشور بسیج کند. افزون بر این، منطقه خاورمیانه در تب و تاب درگیری مستقیم میان ایران و ایالات متحده می‌سوزد؛ حملات به پایگاه‌ها، ترور فرماندهان، تهدید به بستن تنگه هرمز و حضور ناوهای جنگی، فضایی ساخته که دیگر نه از «مدیریت ارزی در شرایط عادی تحریم»، بلکه از «سیاست‌گذاری ارزی در آستانه و حین جنگ» سخن می‌گوییم. این تفاوت سطح فاجعه، ضرورت بازخوانی تجربیات تاریخی را دوچندان می‌کند، اما با هوشیاری نسبت به تفاوت بسترها.

ایران در دهه اخیر تلاش‌های گوناگونی برای مدیریت نرخ ارز انجام داده است: از تک‌نرخي شدن در برهه کوتاهی پس از برجام، تا بازگشت به چندنرخي دردناک (نرخ نیما، نرخ سنا، نرخ بازار آزاد و نرخ ترجیحی برای کالاهای اساسی). واقعیت آن است که نظام چندنرخي کنونی ایران، اگرچه شباهت ظاهری به دوران «دو نرخي» چین دارد، اما فاقد دو شرط حیاتی آن تجربه است. شرط اول: در چین، نرخ ترجیحی (ارزان‌تر) برای کالاهای سرمایه‌ای و ماشین‌آلات بود که به‌زنجیره تولید ملی تزریق می‌شد، نه برای کالاهای نهایی مصرفی بسا دارو. در ایران اما ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی (پیش از اصلاحات اخیر) یا ارز ۲۸۵۰۰ تومانی که آن هم حذف شد، صرفاً به کالاهای اساسی و دارو اختصاص

«سراسرآمد» تحلیل می‌دهد؛

«ریال در مسیر یوان» امکان یا آرزو؟

درس‌آموزی از سیاست ارزی چین در میدان جنگ اقتصادی با آمریکا

دولتی با سوآپ‌های ارزی دوچانه‌ی می‌تواند فشار ارزی را کاهش دهد. ایران می‌تواند بسا تقویت پیمان‌های پولی دوچانه‌ی با روسیه، چین، هند و کشورهای همسایه و استفاده از ارزهای محلی نظیر روبل، یوان یا درهم، بازار ارز را از انحصار دلار خارج کند. اما این کار مستلزم آن است که بانک مرکزی اراده کند بخشی از اختیارات خود را در تعیین نرخ به نهادهای بازارمحور واگذار کند – اقدامی که به جرأت سیاسی و تخصصی بالایی نیاز دارد.

در نقطه اوج ایسن تحلیل، باید به تفاوت استراتژیک دو کشور نیز اذعان کرد. چین هرگز تولیدکننده عمده نفت در دهه‌های اخیر به عنوان شاخه‌ای نوپا ام رو به رشد از آبزی‌پروری مطرح شده است. این فعالیت از دهه ۱۳۸۰ و بسا ورود گونه‌هایی مانند گوسپی و ماهی قرمز پرخورداری از اکوسیستم‌های آبی متنوع، از رودخانه‌ها و تولیدی باز کرد. اگرچه تمرکز اصلی آبزی‌پروری کشور همواره بر تولید ماهیان خوراکی بوده، اما افزایش علاقه عمومی به نگهداری ماهیان زینتی و گسترش بازارهای مرتبط، توجه‌ها را به این بخش جلب کرده است. ایران با آغاز شش‌ده ساله‌ای از اکوسیستم‌های آبی متنوع، از رودخانه‌ها و تالاب‌ها گرفته تا منابع آب شیرین و شور، شرایط مناسبی برای پرورش انواع ماهیان زینتی دارد. وجود بیش از ۲۰۰ گونه ماهی بومی، این کشور را به یکی از مناطق دارای ظرفیت بالقوه بالا در این صنعت تبدیل کرده است. بنابر گزارش ایستنا، اهمیت پرداختن به پرورش ماهیان زینتی بومی تنها به جنبه اقتصادی محدود نمی‌شود. این گونه‌ها به دلیل سازگاری طبیعی با شرایط اقلیمی و محیطی کشور، مقاومت بیشتری در برابر بیماری‌ها و نوسانات محیطی دارند و می‌توانند به‌س حفظ تعادل اکولوژیک کمک کنند. در حالی که تجارت جهانی ماهیان زینتی گردش مالی سالانه‌ای بیش از ۱۵ میلیارد دلار دارد، سهم ایران با وجود تنوع زیستی غنی همچنان محدود باقی مانده است. وابستگی بازار جهانی به گونه‌های غیربومی و وارداتی، مشکلات زیست‌محیطی متعددی از جمله برهم خوردن زنجیره‌های غذایی محلی را ایجاد کرده است. در چنین شرایطی، توجه به گونه‌های بومی می‌تواند هم به کاهش مخاطرات زیست‌محیطی کمک کند و هم زمینه‌ساز توسعه پایدار و اشتغال‌زایی در مناطق مختلف کشور باشد.

در همین راستا، رضا نهاوندی از مؤسسه تحقیقات علوم دامی کشور وابسته به سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، به همراه دو همکار خود، پژوهشی را درباره وضعیت پرورش ماهیان زینتی بومی انجام داده‌اند. این تحقیق با نگاهی کلی به چالش‌ها و فرصت‌های موجود، تلاش کرده است پتانسیل‌های پرورش گونه‌های بومی و نقش آن‌ها در آینده صنعت آبزی‌پروری را به زبان علمی اما قابل استفاده برای برنامه‌ریزان و فعالان این حوزه تبیین کند. پژوهشگران با اتکا به داده‌ها و مطالعات پیشین، تصویری جامع از شرایط فعلی و مسیرهای پیش‌رو ارائه داده‌اند. روش انجام این پژوهش به صورت مروری بوده است. در این روش، محققان با بررسی و تحلیل مطالعات، گزارش‌ها و اماره‌های موجود، اطلاعات پراکنده درباره پرورش ماهیان زینتی بومی را گردآوری کرده‌اند. مقاله مروری به جای انجام آزمایش یا نمونه‌برداری مستقیم، بر جمع‌بندی دانش موجود تمرکز دارد و به شناسایی روندها، نقاط قوت، ضعف‌ها و خلأهای علمی کمک می‌کند. به این ترتیب، پژوهشگران توانسته‌اند تصویری کلی اما منسجم از وضعیت این صنعت در ایران ارائه دهند. پایه‌های این پژوهش نشان می‌دهند که پرورش ماهیان زینتی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته و ایران از نظر تنوع گونه‌های بومی، ظرفیت بالایی برای توسعه این بخشش دارد. گونه‌هایی مانند ماهی قرمز، گویی و گورامی به دلیل زیبایی ظاهری و سازگاری با شرایط محلی، گزینه‌های مناسبی برای پرورش هستند. با این حال، تمرکز سنتی بر گونه‌های خوراکی و وارداتی باعث شده سهم ایران از بازار جهانی محدود بماند. کمبود دانش فنی، برداشت بی‌رویه از طبیعت و ضعف در زنجیره تأمین از چالش‌های اصلی شناسایی شده در این مطالعه است. بر اساس جمع‌بندی نتایج و مطالب مطرح‌شده، پژوهشگران تأکید دارند که سرمایه‌گذاری هدفمند در پرورش گونه‌های بومی می‌تواند به حفظ تنوع زیستی و ذخایر ژنتیکی کمک کند. توسعه تحقیقات علمی، آموزش پرورش دهندگان و ایجاد زنجیره تأمین پایدار از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند جایگاه ایران را در بازار جهانی ماهیان زینتی ارتقا دهند و همزمان از تهدید انقراض برخی گونه‌های ارزشمند جلوگیری کنند. همچنین در این تحقیق اشاره شده است که پرورش ماهیان زینتی بومی می‌تواند نقش مهمی در اشتغال‌زایی و توسعه منطقه‌ای ایفا کند. تولید سالانه این ماهیان به صدها میلیون قطعه رسیده و برای هزاران نفر شغل ایجاد کرده است. استفاده از روش‌های نوین مانند آکوابونیک و بیوفالک، که به معنای بهره‌گیری از سامانه‌های تلفیقی و مدیریت میکروارگانیسم‌ها برای بهبود کیفیت آب است، نشانه‌ای از حرکت صنعت به سمت پایداری بیشتر محسوب می‌شود.

داشت که مصرف‌کننده نهایی را راضی نگه می‌داشت اما بنگاه‌های تولیدی تشنه ارز واقعی تر بودند. شرط دوم: چین در طول دوران انتقال، به موازات اصلاح ارزی، انضباط مالی و بودجه‌ای سختی گرفت و کسری بودجه مزمن را با چاپ پول تأمین نکرد. ایران اما در سال‌های اخیر با کسری بودجه ساختاری ناشی از کاهش درآمدهای نفتی و افزایش هزینه‌های جاری، هر گونه تثبیت ارزی را با رشد پایه پولی ختنی کرده است. به عبارت دیگر، چین توانست به لطف صادرات غیرنفتی رو به رشد، ذخایر ارزی خود را انباشته کند و در بحبوحه اصلاح نرخ، پشتوانه‌ای برای مداخله بازار داشته باشد. ذخایر ارزی ایران اما تحت تحریم‌های فلج‌کننده، هم محدود و هم غیرقابل دسترس در بازارهای جهانی است.

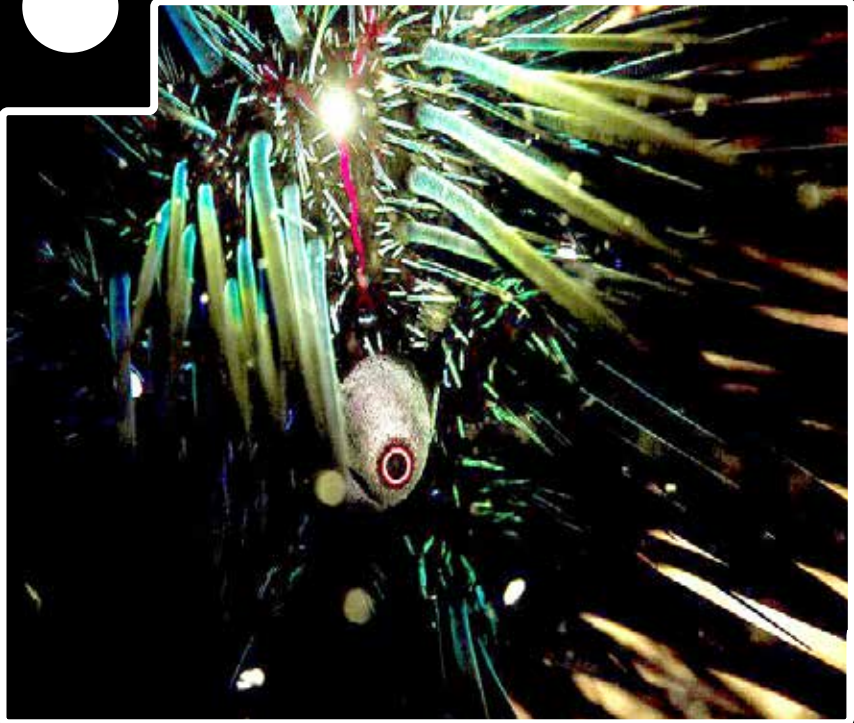
با این حال، سه درس اساسی از تجربه چین برای ایران امروز، به ویژه در شرایط رویارویی نظامی بسا آمریکا، قابل استخراج است. درس نخست: هرگز نباید نرخ ارز را از راهبرد توسعه جدا کرد. در شرایط جنگی یا نظامی حاد، هدف اصلی «تاب‌آوری اقتصادی» و «تأمین حداقل کالاهای استراتژیک» است. چین در برهه‌ای که احساس خطر محاصره می‌کرد، نه به دنبال رسیدن به نرخ تعادلی بازار، که به دنبال «نرخ بقا» بود. ایران نیز در گام اول باید به جای دودیدن به دنبال نرخ واحد و شناور، یک «نرخ عملیاتی» تعریف کند که به صادرکنندگان غیرنفتی (پتروشیمی، فولاد، کسراورزی و دانش‌بنیان‌ها) امکان رقابت در بازارهای منطقه‌ای بدهد و همزمان واردات کالاهای حیاتی (مواد اولیه خطوط تولید، تجهیزات پزشکی و اقلام دفاعی) را ممکن سازد. این به معنای پذیرش صریح چندنرتهی موقتی اما هدفمند است: چندنرتهی که مانند تجربه چین، «شکاف میان نرخ‌ها» را تدریجاً کاهش دهد و هر نرخ را به بخش مشخصی از اقتصاد پیوند بزند.

درس دوم: نهادهای واسط بازار ارز را پیش از آزادسازی کامل، بسازید. چین ابتدا مراکز سوآپ را در شهرهای ویژه اقتصادی ایجاد کرد و سپس آنها را به یک بازار بین‌بانکی گسترش داد. ایران امروز می‌تواند با بهره از تجربه «مرکز مبادله ارز و طلا» که اخیراً تأسیس شده، آن را به مثابه یک «کلینیک ارزی» تقویت کند: محلی که در آن، قیمت‌ها شفاف‌تر از نیما، ولی کنترل‌شده‌تر از بازار آزاد است و دسترس‌ی به ارز برای صادرکنندگان و تولیدکنندگان به شرط ارائه اسناد تجاری واقعی تسهیل می‌شود. این مرکز باید از اختیار تزریق ارز حاصل از صادرات نیروگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و معادن با نرخي تشویقی برخوردار باشد. اما نکته حیاتی آنکه چنین نهادی بدون پشتوانه آماری دقیق از عرضه و تقاضا (که در ایران به دلیل قاچاق و فرار سرمایه مخدوش است) ناکارآمد خواهد ماند. چین توانست به لطف سرشماری منظم واحدهای تولیدی و رصد جریان ارز در گمرک، آمار نسبتاً قابل اتکایی به دست آورد. ایران نیز نیازمند انقلاب در شفافیت اطلاعات تجاری و گمرکی است.

درس سوم، شاید تلخ‌ترین آنها: چین در اوج تنش با غرب جسارت پذیرش شکاف واقعی بین نرخ‌ها در کوتاهمدت و شفافیت در بستن تدریجی آن شکاف در میانمدت را داشته باشد. در غیر این صورت، فرسایش ذخایر ارزی و سقوط آزاد نرخ، پیش از هر موشک آمریکایی، پایه‌های اقتصاد ایران را از درون فرو خواهد ریخت. تجربه تاریخی چین فریاد می‌زند: نرخ ارز را با در خدمت راهبرد خود می‌گیری، یا علیه خود خواهی یافت. امروز، انتخاب بسا تهران اقتصاد جهانی (از طریق کشورهای ثالث، ارزهای دیجیتال

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعزیزی - اقتصاد سراسرآمد